

متن پرسش

سلام استاد: خیلی ممنون میشم پیرامون بازیگری و هنر سینما راهنمایی بفرمایید. بازیگری و حضور در نقش دیگری به غیر از خود، به توانایی انسان در چند رویی و ایجاد فاصله بین ظاهر و باطن یعنی شخصیت داستانی و شخصیت حقیقی بازیگر اشاره دارد. تا جایی که این قدرت استتار و توانایی ایجاد فاصله بین ظاهر و باطن، هنرمندی تلقی می شود. و البته دوربین در برجسته سازی ظاهر، به این توانایی، اعتبار می بخشد. دوربین نحوه ایی از حضور نزد دیگران را رقم می زند. دوربین امتداد وجودی امکان شخصیت است و بازیگر استعداد دوربین را به خوبی می شناسد. بینیم دوربین برای شخصیت بازیگر چه معنایی دارد. وقتی خارج از صحنه ی بازی، بازیگری در حالی سریع از میان هوادارانش عبور می کند، که معطل آنها نشود و وقتی دوربین را می بیند دستش را به طرف دست هوادارش می آورد تا در نزدیک ترین حالت به دوربین تصویری از ارادت خودش به هواداری ها را ثبت کند و بعد دوباره سریع به راهش ادامه می دهد. و بیننده ی تصویر، دست گرمی را می بیند که با حالتی از گشودگی تحویل می گیرد. و بدین صورت دوربین، بازیگر را به چهره ایی محبوب تبدیل می کند. بازیگر دستش را به طرف دوربین نزدیک می آورد ولی در امتداد این لحظه، دست بازیگر است که از طریق تصویر به طرف بیننده ها می آید. دوربین به کوچکترین رفتارها عمومیت می بخشد. و محبوبیت بازیگر بیشتر می شود. فرش قرمز جشنواره ها، صورتی زیبا از این محبوبیت می سازد. و بازیگر فرصتی می یابد که بگوید این همه ظاهر که دیدید و به باطن ها اشاره دارد من نیستم، ظاهر و باطن من چیز دیگری است. و این صداقت، خاطر بازیگر را آرام و خوشحال می سازد. و در حقیقت جشنواره و یا روز جشن برای بازیگر، روز خروج از نقش ها و روز عید و بازگشت به خودش است. هر چند اثری که بازیگر از نقش بر لوح وجودش می پذیرد صفتی را در او تقویت می کند و ملکه می سازد. به هر صورت هوش چند رویی، که در تمدن مدرن راهی برای بهتر زندگی کردن شمرده می شود، ممکن است نفاق ایجاد کند و نفاق هم ایمان را فاسد می کند. وقتی می بینیم بازیگرانی که به جای افراد معنوی و مقدس ایفای نقش می کنند، در ادامه ی زندگی خود از نور آن نقش بی بهره می مانند و جهت گیری هایی غیر از نور حقیقت زمان در پیش می گیرند. و پاکی نقش ها را برای مخاطبان نیز بی اعتبار می کنند. وقتی می بینیم رهبر انقلاب به آقای جواد هاشمی که در فیلم های دفاع مقدس بازی کرده است و سپس در نقش یک تعزیه خوان رباخوار بازی می کند، می گویند: «شما دیگر این نقش ها را بازی نکنید.» از طرفی آیا حضور در نقش می تواند حضور در خود راستین باشد؟ و نقش ها ارزش حقیقی داشته باشند؟ در شرایطی خاص بازیگر متوجه می شود خودش نیست که بازی می کند، و «ما رمیت اذ

رمیت» می شود. و اگر صحنه ایی تحققِ حالتِ آن زمان که بازی می کردی تو نبودی که بازی می کردی بشود، دوربین چگونه می تواند حتی کوچکترین و ظریفترین حالات و رفتارها را از دست بدهد. دوربین در هماهنگی با ظرائف صحنه است که می خواهد امکانی را برای شخصیت فراهم کند. بنابراین حرکت دوربین، تلاش می کند در هماهنگی با حرکت بازیگر بماند و به مخاطب احساس وجودی آن را القا کند. و از طرفی هنرمند بازیگر که می خواهد آئینه ی حقیقت باشد، می داند حقیقت لطیف و نافذ است، حکم و دستوراتش بر اجزاء تکنیک کن فیکون است. اوست که رام می کند و در اختیار انسان قرار می دهد. شهدا هم که هنرمندانه و زیبایی شناسانه نقش آفرینی کردند غرق در کار با تکنیک نبودند، ولی فراست عالم با آنها بود زیرا غرق در حقیقتِ زمان بودند. تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش زیرا سینمای انقلاب اسلامی، انسانیتی از جنس سلام است که با رؤیت انسان آغاز می شود. در بخش هایی از زیارت امام زمان (عج) با عنوان زیارت آل یاسین می خوانیم «السلام علیک حین تقوم السلام علیک حین تقعد»، سلام بر تو هنگامی که می نشینی سلام بر تو هنگامی که برمی خیزی. سلام بر همه ی تو که همه ی توحید هستی. سلام بر نشستن و برخاستنِ امام، رؤیت توحید است و انسان را از کثرت عبور می دهد و به وحدت می برد. سلام بر توحید، سلام بر حقیقتِ انسانیت در زمان، سلام بر زیبایی معقول، سلام بر زیبایی مکارم اخلاق. و دوربین سلام می کند تا از پرتوی صفات توحیدی بهره مند شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که جنابعالی متوجه هستید این مسئله، مسئله ساده ای نیست زیرا به گفته خودتان نه می توان از بی اعتبار کردنِ پاکی نقش ها به راحتی گذشت، و نه می توان آن نقش ها را در صحنه سینما نیاورد. آیا می توان نقش های منفی را به افراد بی نام و نشان داد؟ زیرا از هنر سینما و فیلم که هنر خاصی قلمداد می شود و در این زمانه نوعی تفکر آفرینی را به عهده دارد، به بهانه دوگانگی بین شخصیت اصلی بازیگر و شخصیتی که در آن بازیگری می کند؛ نمی توان به راحتی از هنر سینما عدول کرد. خودآگاهی نسبت به توانایی های سینما از یک طرف، و ضعف هایی که در دل این صنعت نهفته است از طرف دیگر، موجب می شود که راه سومی را مد نظر قرار داد. شاید جمع بین بازیگری و گفتار، آن جایی که صلاح نیست شخصیتی در میان باشد تا حدی راه گشا گردد. انسان ها بعضاً در نقش های اصیلی که انجام می دهند عملاً در خود راستین خود مستقر می شوند مثل جناب آقای آنتونی کوئین در نقش عمر مختار و حضرت حمزه. موفق باشید